



ورزش خصوصی شود یا نه ؟

فوتبال در بن بست خصوصی سازی

محمد پناهی فرد

«فوتبال باید خصوصی شود» این جمله کلیشه‌ای و تکراری، سال‌هاست که ورزش ما را در بر گرفته، اما در عمل مانند رویایی است که هنوز تا تعبیر شدن راه بسیاری را باید پیماید. سالانه بیش از ۳۰۰ میلیارد تومان برای فوتبال ایران هزینه می‌شود که بیش از ۹۰ درصد آن را باشگاه‌های دولتی می‌پردازند. رسانه‌ای شدن چنین آماری باعث شد دولتی‌ها در پی راه‌حلی برآیند تا فوتبال را از بدنه دولت جدا کنند، اما اینکه چرا علی‌رغم این وعده هنور فوتبال خصوصی نشده، سئوالی است که در این گزارش به آن پرداخته می‌شود.

یک عامل بازدارنده در خصوصی‌سازی ورزش و یا بهتر عنوان کنیم فوتبال باشد. تصور کنید اگر پرسپولیس و استقلال خصوصی شوند که دولت‌نشینان راه کوتاه و مناسبی برای شهرت نخواهند داشت. مسیر کوتاهی که از این راه طی می‌شود، در دیگر پست‌ها هرگز اتفاق نخواهد افتاد.

نبود یک قانون

رسیدن به خصوصی‌سازی نباید خیلی سخت و دشوار باشد، اما قانونی مدون در این رابطه فضا را به سمت بی‌اعتمادی کشیده است. اطمینان نداشتن شخص سرمایه‌دار از کاری که می‌خواهد برای فوتبال انجام دهد بزرگ‌ترین مشکلی است که در این راه به وجود آمده است. مثل هدایتی‌ها در کشورمان زیاد هستند که بخواهند ثروتشان را برای فوتبال هزینه کنند اما شاید ترس آنها نسبت به آینده کار

کوچک‌ترین هزینه‌ای به آن دست می‌یابند. برای این ادعا یکی دو مثال ساده ارائه می‌دهیم. حبیب کاشانی قبل از اینکه مدیرعامل باشگاه پرسپولیس باشد، عضو ساده شورای شهر بود. شاید تنها یک میلیون نفر، آن‌هم در تهران او را می‌شناختند اما بسیاری از ایرانیان پرسپولیسی خارج از کشور هم حبیب کاشانی را کاملاً می‌شناسند. امیر واعظی آشتیانی هم که زمانی مدیرعامل باشگاه استقلال بود، شرایطی مشابه حبیب کاشانی داشت. اگر کمی وسع‌تر به مسئله نگاه کنیم، می‌توانیم پست ریاست سازمان ورزش را داخل این قضیه بگنجانیم. رؤسای سازمان ورزش پیش از اینکه تصدی این پست را بپذیرند چقدر در میان مردم معروف و مشهور بودند؟ شهرت اکثر آنها نیز بیشتر به واسطه فوتبال و دو تیم پرسپولیس و استقلال به دست می‌آمد تا صرفاً رئیس سازمان ورزش. بدون شک، شهرت و فوتبال دولتی پلی است برای رسیدن به اهدافی دیگر و می‌تواند

شهرت، عاملی بازدارنده

اکنون تنها تیمی که در لیگ برتر به صورت کاملاً خصوصی اداره می‌شود و شاید آخرین سالی باشد که به این شکل در لیگ حضور داشته باشد، تیم فوتبال استیل آذین است. استیل آذین حدود ۴ سال پیش وارد لیگ دسته اول شد و حسین هدایتی، مالک این تیم، با جذب علی پروین رویاهایی را در سر می‌پروراند. تا پیش از این اگر از تماشاگران فوتبال و یا فوتبال‌دوستان سئوال می‌کردی حسین هدایتی کیست، پاسخ منفی بود. اما با ورود به فوتبال و پخش تصاویرش در مطبوعات و تلویزیون به شخصیتی تبدیل شد که حداقل ۲۰ میلیون ایرانی او را می‌شناسند. مثل روز روشن است که اگر هدایتی سرمایه‌اش را به غیر از فوتبال هزینه می‌کرد، هرگز به این اندازه سر زبان‌ها با عنوان یک عابر بانک نمی‌چرخید.

از سوی دیگر، کاری که او با ثروتش برای معروف شدن انجام داد، دولتی‌ها بدون

را دشوار کند. چند سال پیش و در زمان مدیریت محمدحسن انصاری فرد در باشگاه پرسپولیس، پروژه خصوصی شدن این باشگاه توسط سرمایه‌دار معروفی در حال انجام بود. حسین ثابت، مالک هتل داریوش کیش، حاضر بود ۵۱ درصد سهام پرسپولیس را خریداری کند، اما سازمان ورزش که مالکیت دو باشگاه پرسپولیس و استقلال را در اختیار دارد، مخالف این درصد از واگذاری بود.

مسئولان سازمان معتقد بودند واگذاری بیش از نیمی از باشگاه پرسپولیس در عمل اختیارات مستقیم آنها را از این باشگاه برطرفدار کم خواهد کرد. ثابت نیز در صورتی حاضر بود سرمایه‌اش را برای پرسپولیس خرج کند که هیئت مدیره و مدیرعامل را خودش انتخاب کند؛ امری که سازمان بشدت با آن مخالف بود. در این رابطه می‌شد قانونی طراحی کرد که هیچ کدام متضرر نشوند، اما چنین اتفاق ویژه‌ای خیلی زود به بن‌بست رسید تا مشخص شود راه رسیدن به خصوصی شدن فوتبال راهی بس طولانی و دشوار است.

دولتی بودن اقتصاد ایران

دولتی بودن باشگاه‌های ایران منحصر به فوتبال نیست، چرا که اقتصاد ایران در تمام ابعاد زیر سایه دولت قرار دارد. با چنین وضعیتی، صحبت از خصوصی شدن فوتبال کمی عجیب و ناممکن به نظر می‌رسد. فوتبال یک ورزش و در عین حال یک تجارت پرسود است و از آن جهت به تجارت پرسود بدل شده است که جهان به آن نیاز دارد. از فوتبال می‌توان درآمدزایی کرد اما تا هنگامی که دولت به باشگاه‌ها کمک می‌کند آنها نیز به سمت درآمدزایی نخواهند رفت. تیم‌هایی مثل استیل‌آدین هم اگر به عنوان بخش خصوصی وارد این فوتبال شده‌اند برای کسب درآمدزایی با مشکلاتی مواجه هستند.

وقتی حسین هدایتی، مالک این باشگاه در مصاحبه‌ای عنوان می‌کند که برای پخش تلویزیونی تیمش مبلغ ۲۵۰ میلیون تومان به شبکه تهران پول داده است، می‌توان به طور کامل بخش خصوصی در فوتبال ایران را درک کرد. تعریف بخش خصوصی در فوتبال ایران درست برعکس دیگر کشورهای صاحب فوتبال است. امروز فوتبال به عنوان یک تجارت پرسود مطرح است اما در ایران همه چیز در اختیار دولت است، حتی درآمدزایی از پخش تلویزیونی هم در اختیار دولت است و این دولت است که تعیین می‌کند چه مقدار باید بابت حق پخش تلویزیونی به فوتبال داده شود. امروزه فوتبال به عنوان یک حرفه شناخته شده است و زمانی که فعالیت به عنوان یک حرفه شناخته می‌شود، برای آن در اقتصاد جایگاهی را تعریف می‌کنند.

اتفاقات عصر حاضر باعث شده است که صرفه‌های اقتصادی فوتبال بسیار چشمگیر

شود، به طوری که باشگاه‌های فوتبال در دنیا از زمره بنگاه‌های سودده هستند. به دلیل حساسیت بالای فوتبال، صنعتی عظیم پیرامون آن را گرفته است. درآمد ناشی از نقل و انتقالات، حق پخش تلویزیونی و به دنبال آن، تبلیغات و آگهی‌هایی که رسانه‌ها می‌گیرند، همه اینها اجزای صنعتی است که بر گرد فوتبال و حساسیت‌هایش پدید آمده. حرف اول و آخر را در فوتبال، پول می‌زند. و این یک واقعیت انکارناپذیر است که می‌تواند در فوتبال ما به بهترین شکل مدیریت شود. اما وقتی همچنان دولت بر فوتبال سایه افکنده است نمی‌توان انتظاری بیش از این داشت.

ورود به بورس

هیئت وزیران از سال ۸۴ مجوز واگذاری باشگاه‌های ورزشی را تصویب کرد؛ امری که باعث شد بحث خصوصی سازی بیش از گذشته در فوتبال مطرح شود. این امر ابتدا از دو باشگاه پرسپولیس و استقلال با طرفداران بیشمارش شکل جدی به خود گرفت. ورود این دو باشگاه به بورس اولین تصمیمی بود که گرفته شد اما به علت بدهی‌های زیادی که این دو باشگاه داشتند، در کوتاه‌مدت چنین امری ممکن نبود.

بحث فرابورس دیگر طرحی بود که ارائه شد اما این طرح نیز که می‌توانست شروع خوبی باشد، در حد همان حرف و تصمیم باقی مانده است. به هر ترتیب، هنوز نباید پرونده ورود باشگاه‌ها به بورس را مختومه عنوان کرد. بر اساس سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی ۴۰ درصد سهام شرکت‌های دولتی در بورس قابل واگذاری است و چون برخی از باشگاه‌های ورزشی نیز وابسته به دولت هستند، مسلماً واگذاری سهام آنان پلا مانع است. اما اجرایی شدن این طرح با مشکلاتی مواجه خواهد شد که مهم‌ترین آن نبود درآمدزایی در این باشگاه‌هاست. فعالیت باشگاه‌های فوتبال در ایران سودآور نیست و در چنین شرایطی طرح عرضه عمومی سهام باشگاه‌های ورزشی یا پذیرش آنها در بورس با واقعیات مطابقت ندارد و این از جمله مشکلات مهم واگذاری باشگاه‌ها از طریق بورس است.

اکنون باشگاه‌های ورزشی در ایران شرایط پذیرش در بورس اوراق بهادار را ندارند ولی ابتدا باید باشگاه‌های ورزشی به صورت سهامی عام تبدیل شوند و در بورس عرضه شوند، سپس ساختار مالی و اقتصادی آنها روشن و شفاف شود. حضور باشگاه‌های پرطرفداری همچون استقلال و پرسپولیس در بورس اوراق بهادار طرح بسیار خوب و جذابی است که سبب رونق معاملات، فرهنگ سازی و آشنایی هر چه بیشتر مردم با بورس می‌شود. اما قبل از آن باید حداقل شرایط پذیرش در بورس، یعنی منابع درآمدی پایدار و قابل اتکا، سودآور

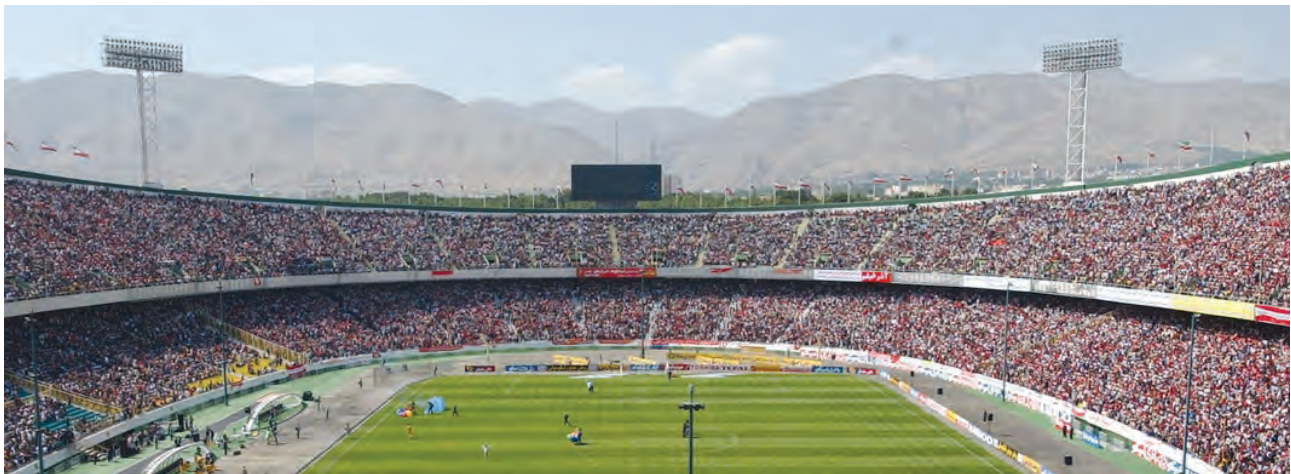
بودن و شفافیت مالی را داشته باشند. خرید سهام هر باشگاه به رشد و توسعه آن تیم کمک شایانی می‌کند.

استقلال اقتصادی باشگاه‌ها

مصطفی آجرلو، رئیس اتحادیه باشگاه‌های ایران گفته است خصوصی سازی باشگاه‌های کشور را در گرو استقلال اقتصادی آنها می‌داند: «مادامی که باشگاه‌های کشور از لحاظ اقتصادی تأمین نباشند، هرگز نمی‌توانند در مسیر خصوصی شدن قرار بگیرند. بزرگ‌ترین چالش فوتبال ایران وابستگی تیم‌ها به اقتصاد دولتی است و یارانه‌های دولتی هستند که مانع اصلی برای خصوصی شدن باشگاه‌ها به حساب می‌آیند». او با اشاره به سخنان امام خمینی (ره) خصوصی سازی را این‌گونه شرح می‌دهد: «باید قبل از فشارهای کنفدراسیون فوتبال آسیا و تهدیدهای آنها همان طور که حضرت امام خمینی (ره) فرمودند کار را به خود مردم واگذار کنیم. AFC امروز همان حرفی را می‌زند که امام سال‌ها قبل زد. این باعث تأسف است که با تمام این چیزها هیچ تغییری در جهت پیشرفت خصوصی سازی نمی‌بینیم. به عقیده من حق باشگاه‌ها باید به آنها داده شود. حق پخش، کپی رایت و حامیان مالی می‌تواند بسیاری از مشکلات فوتبال ایران را حل کند. باید شرایط طوری باشد که دولت تنها نظاره‌گر باشد، نه اینکه امور کار را خود به دست گیرد. شرایط حاکم بر فوتبال ما طوری شده که حتی باشگاه‌هایی هم که روی پای خود می‌ایستند با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شوند؛ مشکلاتی که با واگذاری همان حق پخش و اسپانسرینگ به آنها قابل حل است».

فوتبال خصوصی کمکی به سایر رشته‌ها

وقتی از خصوصی سازی در فوتبال صحبت می‌کنیم، سایر رشته‌ها به فراموشی مطلق سپرده می‌شود اما یک استاد دانشگاه معتقد است، وقتی فوتبال خصوصی شود کمکی برای سایر رشته‌ها خواهد بود. دکتر علیرضا الهی توضیح می‌دهد: «باشگاه‌های خصوصی فوتبال نمی‌توانند با باشگاه‌های متکی به پول دولت رقابت کنند. باشگاه‌ها نمی‌توانند یک شبه خصوصی شوند بلکه باید نظام جامع این کار از سوی دولت و سازمان ورزش تبیین شود. پیش‌زمینه‌هایی چون وام‌های بلندمدت، در اختیار قرار دادن زمین برای ساخت ورزشگاه و اینکه حق فوتبال مانند حق پخش تلویزیونی، کپی رایت و بلیت فروشی را به فوتبال بدهیم، می‌تواند برای آغاز خصوصی شدن باشگاه‌ها مؤثر باشد.» وی ادامه می‌دهد: «تا زمانی که بحث خصوصی سازی اتفاق نیفتد، پول فوتبال از جیب دولت و در واقع بیت‌المال پرداخت می‌شود.



به عنوان نمونه، دو باشگاه بزرگ پایتخت هیچ اسپانسر واقعی و یا درآمدی از طریق حق پخش تلویزیونی، کپی رایت و بلیت فروشی ندارند و بدین ترتیب ۹۰ درصد هزینه‌های خود را از طریق سازمان ورزش تأمین می‌کنند، در حالی که وظیفه اصلی سازمان تربیت بدنی توسعه و تعمیم ورزش برای عموم مردم جامعه است. این عضو هیئت علمی دانشگاه می‌گوید: «سازمان تربیت بدنی می‌تواند با تخصیص نظام‌یافته بودجه و تعیین اولویت‌ها بودجه عادلانه‌ای به تمامی ورزش‌ها اختصاص دهد، بخصوص ورزش بانوان، چرا که تمام رشته‌ها نسبت به فوتبال مظلوم‌تر هستند و بانوان هر رشته در همان رشته خودشان هم امکانات محدودتری از آقایان آن رشته دارند.»

نقدی بر دولتی بودن فوتبال ایران

وحید نمازی که حالا دستیار کارلوس کی‌روش پرتغالی در تیم ملی فوتبال ایران شده، نقدی جالب بر فوتبال دولتی دارد. البته صحبت‌های او بیشتر متوجه دو تیم تمام دولتی پرسپولیس و استقلال است. نمازی که تحصیلکرده امریکاست و زمانی شاگرد کی‌روش بوده، با مثالی از گذشته، این‌گونه فوتبال دولتی ایران را به نقد می‌کشد: «چند ثانیه پس از اولین باخت پرسپولیس زلاتکو کرانیکار را اخراج کردند. چند صد هزار دلار دیگر از خزانه دولت و صد البته از جیب من و شما پرید و به حساب بانکی آدم نه چندان بزرگی سرازیر شد که بالاترین دستمزد اخیرش، پیش از بستن قرارداد با پرسپولیس ایران، تنها همان ماهی چهار هزار دلاری بود که نزدیکان خشایار محسنی می‌گویند توسط مالک باشگاه دی‌استرادی اسلوواکی به مرد میانسال کروات پرداخت می‌شد. به‌رغم حرف‌های شدن ۸، ۹ ساله فوتبال ایران و حضور کم‌رنگ، پر حاشیه و بیشتر با قصد و غرض بخش خصوصی در آن، «فوتبال ایران» هزار درصد دولتی محض است.

صرف‌نظر از آن چند میلیون آذری خونگرم و چند ۱۰هزار انزلی چی بامعرفتی که اگر سرشان برود، برای تیم‌هایی به غیر از تراکتور و ملوان

حنجره پاره نمی‌کنند، اکثر قریب به اتفاق مردم سرزمین پهناور ایران، یا پرسپولیسی‌اند یا استقلال‌ی. سر این موضوع می‌شود شرط بست. ردخور هم ندارد. حتی آن ایرانی عزیز که در شهر و استانش تیمی دارد، هوادار تیمش است و آن را دوست دارد، بی‌برو برگرود، یا پرسپولیسی است یا استقلال‌ی. این یعنی بیش از ۹۰ درصد جمعیت هفتاد و چند میلیونی ایران، هوادار قرمز یا آبی هستند. بچه و جوان و پیر هم ندارد. حسابش را بکنید؛ بازاری شصت و چند میلیون نفری پیش‌روی شما قرار داشته باشد، مشتریانش کالای شما را خوب بشناسند، بدون تبلیغاتی فراوان و هزینه‌بر، حاضر به خریدش باشند و حتی آن را پیش خرید هم بکنند.

تصور چنین بازار سودزایی بی‌تردید دل آدم‌های کاربلدی همچون فلورنتینو پرز مادریدی را که از وجب به وجب رئال مادریدش یورو درمی‌آورد و به حساب شخصی خودش می‌ریزد و تبعات سودزای کارهایش بی‌درنگ خرج کهکشان چند صد میلیون یورویی‌اش می‌شود را به قنچ می‌آورد، ولی حساب ما و فوتبلمان با این بازار بزرگ و تشنه محصول (از نوع ناب فوتبالی‌اش) کاملاً جداست. پرسپولیس و استقلال‌ی که می‌توانند درآمدزایی کنند، مشتری‌هایشان را راضی نگه دارند و خودشان هم از سود ناشی از فروش محصولشان (که فوتبال است به معنای عام) هم امرار معاش کنند و هم پس‌اندازی مناسب برای روزهای سخت و مبادا ببندوزند، هر روز بیشتر از روز پیش بدهی بالا می‌آورند، خرج می‌تراشند، مشتری از دست می‌دهند و به ورشکستگی کامل نزدیک‌تر می‌شوند. چنین باشگاه‌هایی اگر در هر کجای فوتبال پیشرفته جهان وجود داشتند، تا به حال دو هزار دفعه به مزایده گذاشته شده بودند یا برای فرار از دست طلبکارانشان اعلام انحلال می‌کردند.

مگر در اقتصاد امروز، معنای ورشکستگی چیزی جدای از نخواندن دخل و خرج با هم، انباشته شدن بدهی‌ها و دیون مختلف یک بنگاه به دولت، بانک‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی و عدم توانایی در بازپرداخت آنهاست؟ حسابش

را بکنید، پرسپولیس و استقلال در همین پنج سال اخیر، چند ۱۰میلیارد تومان هزینه روی دست صاحبش که همان دولت محترم باشد، گذاشته‌اند؟ هزینه‌های مادی و معنوی این دو بنگاه اقتصادی (که حالا بشدت و با غلظت هر چه تمام‌تر غیراقتصادی هستند) طی ۱۰ سال اخیر چه بوده است؟ آیا دو قهرمانی هر کدام از این دو باشگاه در لیگ برتر (طی ادوار گذشته لیگ برتر) و چند قهرمانی در جام حذفی، توانسته اندکی از صدها میلیارد تومان پولی را که از جیب مردم به پای سوگلی‌های قرمز و آبی ورزش دولتی ایران ریخته شده برگرداند و جبران کند؟ دو باشگاه بزرگ ایران طی این چند ساله، چند بار مربی تغییر داده‌اند؟

چند بار مربی‌هایشان را با قراردادهای چند صد هزار دلاری و چند صد میلیونی اخراج کرده‌اند؟ چند بار با بازیکنان بی‌کیفیت و ناتوانی که حتی لیاقت بازی در تیم‌های دسته دوم را هم ندارند قراردادهای بالای صد میلیون تومان بسته‌اند؟

آیا این چند صد هزار دلاری که به جیب کرانیکار می‌رود، از جیب جناب حاج عباس انصاری فرد هزینه می‌شود؟ آیا او علاوه بر خواستن عذر کرانیکار، نباید پس از زدن حکم اخراج سرمربی سابق کرواسی (که تنها نقطه روشن کارنامه زلاتکو کرانیکار همین سرمربیگری‌اش در تیم ملی کشورش بود)، متن استعفای خودش را هم بی‌درنگ به دست علی سعیدلو می‌رساند و خودش و میلیون‌ها هوادار پرسپولیس را که حالا بشدت سرخورده و متضرر شده‌اند، راحت می‌کند؟

نتیجه‌گیری

نتیجه اینکه اینکه شکست خصوصی‌سازی در فوتبال نشانه آشکاری است از آماده نبودن بسترهای حقوقی و اجرایی جهت حضور فعال و رقابتی بخش خصوصی در عرصه ورزش که اینکه در میدان رقابت ورزشی زمانی می‌توان به خصوصی‌سازی واقعی دست یافت که همه بازیگران عرصه ورزش بر اساس اصل رقابت توأم با شفافیت فعالیت داشته باشند.